

**Comparative Studies  
in Jurisprudence,  
Law, and Politics**

## **The Influence of the Ethical Principle of Good Faith and Fair Dealing in the Formation and Execution of Civil Obligations**

1. Esmail Salehi: PhD Student of Private Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran
2. Seyyed Pedram Khandani\*: Assistant Professor, Department of Private Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: Dr.khandani@gmail.com (Corresponding Author)
3. Abbas Pahlevanzade: Assistant Professor, Department of Private Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

### **ABSTRACT**

The ethical principle of good faith and fair dealing, although relatively, implicitly, or explicitly recognized in the legal systems of most countries, has occasionally been neglected, making it necessary to examine its influence in the formation and execution of civil obligations. Accordingly, the aim of the present article is to analyze the influence of the ethical principle of good faith and fair dealing in the formation and execution of civil obligations. This study is descriptive-analytical and utilizes a library-based research method to explore the subject. The findings indicate that although good faith originates from an individual's intent and has a personal aspect, in practice—particularly in contracts—it is of great importance and assumes an objective dimension that can impact economic and social security. Therefore, its governance in the contractual process is essential. Good faith and fair dealing, as a binding and obligatory principle, entail commitments and duties for the parties throughout the formation, execution, and legal enforcement of contractual obligations. Today, this principle has gained significant importance and an increasingly influential role in contract law and transactions. The application of modern contract law theories—such as the duty to cooperate, the duty of honesty, and the duty of confidentiality, among many others that are all manifestations of good faith and fair dealing—will yield beneficial outcomes.

**Keywords:** *Ethical principle, good faith, fair dealing, civil obligations, contract law*

How to cite: Salehi, E., Khandani, S. P., & Pahlevanzade, A. (2024). The Influence of the Ethical Principle of Good Faith and Fair Dealing in the Formation and Execution of Civil Obligations. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(5), 236-249.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 26 November 2024  
Revise Date: 13 December 2024  
Accept Date: 24 December 2024  
Publish Date: 31 December 2024



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

## نفوذ قاعده اخلاقی حسن نیت و رفتار منصفانه در ایجاد و اجرای تعهدات مدنی

۱. اسمعیل صالحی: دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
۲. سید پدرام خندان: \*استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. پست الکترونیک: Dr.khandani@gmail.com (نویسنده مسئول)
۳. عباس پهلوان زاده: استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

### چکیده

قاعده اخلاقی حسن نیت و رفتار منصفانه اگرچه در حقوق اکثر کشورها به طور نسبی، ضمنی یا صریح پذیرفته شده است و مورد شناسایی قرار داده‌اند لیکن بعضاً نسبت به آن بی توجهی شده که این امر بررسی نفوذ آن در ایجاد و اجرای تعهدات مدنی را ضروری ساخته است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی نفوذ قاعده اخلاقی حسن نیت و رفتار منصفانه در ایجاد و اجرای تعهدات مدنی است. این مقاله توصیفی تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که اگر چه حسن نیت از قصد و نیت شخص نشأت می‌گیرد و جنبه شخصی دارد؛ لیکن در عمل به خصوص در قراردادها بسیار مهم و با اهمیت است و جنبه نوعی پیدا می‌کند که می‌تواند امنیت اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار بدهد، بنابراین حاکمیت آن در فرآیند قراردادها ضروری است. حسن نیت و رفتار منصفانه به عنوان یک قاعده الزام آور و موجد تکلیف، متضمن تعهدات و وظایفی برای طرفین، در جریان تشکیل، اجرا و اعمال حقوقی ناشی از تعهدات قراردادی است؛ که امروزه به عنوان قاعده‌ای مهم، جایگاهی ویژه و نقشی مؤثر و روزافزون در حقوق قراردادها و معاملات یافته است. استفاده از تئوری‌های نوین حقوق قراردادها؛ مانند تعهد به همکاری، تعهد به درستکاری و تعهد به رازداری و بسیاری از تعهدهای دیگر که همه از مصادیق حسن نیت و رفتار منصفانه هستند؛ آثار سودمندی خواهند داشت.

**واژگان کلیدی:** قاعده اخلاقی، حسن نیت، رفتار منصفانه، تعهدات مدنی، حقوق قراردادها.

نحوه استناددهی: صالحی، اسمعیل، خندان، سید پدرام، و پهلوان زاده، عباس. (۱۴۰۳). نفوذ قاعده اخلاقی حسن نیت و رفتار منصفانه در ایجاد و اجرای تعهدات مدنی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۵)، ۲۴۹-۲۳۶.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۵ آذر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۲ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۴ دی ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۱ دی ۱۴۰۳



قاعده حسن نیت و رفتار منصفانه یک قاعده اخلاقی و حقوقی است که عمل انسان را با توجه به نیت او توجیه می‌کند. حسن نیت و رفتار منصفانه برای رعایت حقوق طرفین به دور از هر گونه سودجویی ناروا، زیاده‌خواهی و فرصت‌طلبی، تدلیس، تبانی و تقلب، در تشکیل و اجرای تعهدات مدنی است؛ که موجب افزایش اعتماد قراردادی و رفاه اجتماعی، عدالت قراردادی و کاهش اختلافات حقوقی می‌شود و مبنایی برای اخلاقی و فقهی کردن حقوق قراردادها می‌باشد. هم‌چنین شیوه‌ای برای تأمین امنیت اخلاق و حقوق در قراردادها است که امنیت اجتماعی و اقتصادی را موجب می‌شود و نیز می‌توان آن را مبنایی برای حفظ نظام حقوقی معاملات دانست. بنابراین ضرورت قانون‌گذاری این قاعده اخلاقی و حقوقی به عنوان یک قاعده راهبردی و آمرانه در همه مراحل قرارداد به ویژه، ایجاد و اجرای آن اجتناب‌ناپذیر است که نیازمند تصمیم‌های الزام‌آور حقوقی می‌باشد. قواعد حقوقی آمرانه بازتاب منطق ارائه راهکار اصلی است که ارائه تصویری ابزارگونه از نفوذ اثباتی این قاعده می‌باشد. که نهایتاً دارای ستاده‌ای است که طی آن عدالت قراردادی توجیه می‌شود. چنین رویکردی به توانمندی و پتانسیل خود مقررات، در عدالت توزیعی و عدالت معاوضی که از مصادیق حسن نیت و رفتار منصفانه هستند، توجه ویژه‌ای را سبب می‌شوند. اهمیت دادن به نقش پیش‌گیرانه قواعد حقوقی در کنترل سودجویی‌های ناروا و بی‌عدالتی‌های ناشی از عدم رعایت حسن نیت و رفتار منصفانه در تعهدات مدنی نفوذ پذیر خواهد بود؛ که به نظر می‌رسد مطلوبیت حداکثر را به دنبال خواهد داشت. این مطالب دارای دو بستر اساسی حقوقی، اخلاقی و فرهنگی است؛ یکی احترام به قانون، کفایت و شفافیت آن، و دیگری برقراری امنیت اجتماعی، عاطفی و اقتصادی می‌باشد. با این دیدگاه، حسن نیت و رفتار منصفانه معیار اصلی تعهدات مدنی قرار می‌گیرد. نویسندگان تألیفات و مقالات زیادی را در این خصوص به رشته تحریر درآورده‌اند؛ لیکن هیچ‌کدام تا کنون نتوانسته عدم رعایت آن را چاره‌اندیشی و رعایت آن را در تعهدات قراردادی به عنوان یک قاعده الزامی تبیین و نظر قانون‌گذار را به آن جلب تا مورد شناسایی قرار گیرد. بنابراین خلأ قانون‌گذاری در توجه به این قاعده وجود دارد. نگارنده معتقد است که سودجویی‌های ناروا و فرصت‌طلبی قراردادی و عدم رعایت عدالت و انصاف موجب واگرایی نسبت به این قاعده شده است که این یکی از چالش‌هایی است که رعایت حسن نیت و رفتار منصفانه را با تهدید مواجه می‌کند که باید شرایط همگرایی را جستجو کرد. در این تحقیق تلاش شده است تا با روش‌های توصیفی، تحلیلی و تطبیقی به واکاوی نفوذ قاعده اخلاقی حسن نیت و رفتار منصفانه در تعهدات مدنی پرداخته و با استفاده از مبانی اخلاقی، فقهی و حقوقی اقدام به درونی نمودن آن در تعهدات قراردادی در جهت امنیت آن و افزایش رفاه اجتماعی نماید. از همین روی لزوم جلوگیری از سودجویی‌های ناروا و فرصت‌طلبی قراردادی و با عنایت به رعایت الزامی حسن نیت و رفتار منصفانه، کارآمدی و نفوذ آن را در تعهدات مدنی می‌توان ارزیابی کرد.

#### ۱. قاعده اخلاقی حسن نیت و رفتار منصفانه و نقش آن به عنوان قاعده راهبردی حقوقی

در رابطه با اخلاق و قواعد آن گفته‌اند: قواعد اخلاق، میزان تشخیص نیک و بد است (Tabatabai & Mousavi Hamadani, 1991). برخی، «اخلاق را منجی و مصلح می‌دانند» (Katouzian, 1998). هر گروهی یک طرز تفکر از اخلاق دارند؛ اما آن چه که مهم است این است که باید اخلاق را از ویژگی‌های فردی به سمت نوعی کردن قواعد آن سوق داد؛ تا به صورت یک قاعده الزام‌آور در کلیه اعمال حقوقی از جمله قراردادها، جاری و ساری گردد؛ زیرا که ویژگی‌های فردی در همه افراد یکسان نیستند تا از این که مربوط به شخص باشد خارج شود و جایگاه خود را در حقوق پیدا کند. حسن نیت در عالم اخلاق، از زمان خلقت بشر بوده است؛ چون به صورت فطری خداوند متعال

در وجود و فطرت هر شخصی آن را نهادینه کرده است؛ اما در عالم حقوق که به آن استناد شده، سابقه آن به سه قرن قبل از میلاد بر می‌گردد که از آن به عنوان صداقت و درستکاری در معنای مثبت و ایجابی آن مورد توجه بوده است. در حقوق رم ابتدا در قالب دعوا مطرح شد و قاضی نیز این اختیار را داشت که در روابط حقوقی طرفین، دخالت کند و طرفی را مورد حمایت قرار بدهد یا تکالیفی را به او اضافه کند. «حسن نیت از یک سو عبارت است از؛ اعتقاد خلاف واقع به وجود یک وضعیت حقوقی قاعده مند، و از سوی دیگر رفتار صادقانه‌ای است که لازمه اجرای تعهد می‌باشد. حسن نیت به طور کلی، رفتاری است گویای اعتقاد یا اراده‌ای که به ذینفع اجازه می‌دهد، با رعایت قواعد حقوقی، از خشونت و خشکی قانون رهایی یابد» (Sanhoury, 1998). «اگر چه حسن نیت در اکثر نظام‌های حقوقی شناخته شده و در قوانین کشورهای مختلف بیان شده است، اما تعریف روشن و صریحی از آن ارائه نگردیده است. برخی حقوق دانان بر این باورند که حسن نیت یک مفهوم ذهنی است و تجربه شدنی نیست، و بر همین اساس آن را مفهومی غیر قابل تعریف بیان کرده‌اند. با این وجود حسن نیت به گونه‌های مختلف تعریف شده است، صداقت در نیت و عمل؛ فقدان اراده تقلب و کلاهبرداری و ایجاد ضرر برای طرف دیگر معامله، پای بندی به هدف معامله و داشتن رفتار درست و صادقانه در برابر تعهد؛ داشتن اعتقاد صادقانه به موضوعی نادرست؛ نداشتن رفتار مغایر با معیارها و ضوابط متداول در قراردادها» (Rajski, 1985)؛ «وجه مشترک این تعاریف، صداقت و راستی در قرارداد و ایفای وظایف قراردادی به گونه‌ای صادقانه و منصفانه است» (Rahpeik, 1999). مفهوم اقدام متعارف که در قانون ایران به جای حسن نیت آمده است به مانند کشور هلند که احترام زیادی برای حسن نیت قائل هستند و بر تمامی حقوق تعهدات و حقوق قراردادها حاکم است مسبق به سابقه است. «در هلند حسن نیت در کنار اصطلاحات منصفانه و متعارف، مورد توجه قرار می‌گیرد. به اعتقاد دی آماتو: اصل حسن نیت مستلزم این است که طرفین قرارداد از روی صداقت و به نحو منصفانه با یکدیگر رفتار کنند و انگیزه‌ها و اهدافشان را از روی صداقت بیان کرده و از به دست آوردن امتیازات ناعادلانه که ممکن است حاصل تفسیر مبتنی بر سیاق عبارات معاهده باشد، خودداری کنند» (Rahpeik, 1999). برخی در تعریف حسن نیت و رفتار منصفانه گفته‌اند که این دو اصطلاح از مفاهیم مبهم هستند (Bianca & Bonell, 1995). برخی گفته‌اند تعریف آن ناممکن است و گفته‌اند این دو اصطلاح از مفاهیم ذهنی و انتزاعی است. «بعضی حسن نیت را اصلی بنیادین می‌دانند که از قاعده لزوم وفای به عهد و دیگر قواعد حقوقی که با صداقت و انصاف در ارتباط هستند، گرفته شده است» (O'Conner, 1990). برخی معتقدند که «حسن نیت در بازرگانی بین المللی، باید با مراجعه به استانداردهای متعارف و معقول تعریف شود؛ معقول، چیزی است که در عرف تجاری قابل قبول باشد» (Schlechtriem & Thomas, 1998). به عقیده برخی از صاحب نظران، حسن نیت مقوله‌ای ذهنی، کیفی و مبهم بوده و تعریف آن امری دشوار است (Tetley, 2004). در حقوق اتحادیه اروپا تصریحی از تعریف حسن نیت و رفتار منصفانه دیده نمی‌شود لیکن بدین گونه به آن اشاره شده است؛ اصل همکاری صادقانه، احترام متقابل، معاضدت همدیگر در انجام وظایف معاهدات، و مصادیق آن در مقررات مشترک از جمله؛ عدالت، صلح، انصاف، و در منشور آن نیز حقوق شهروندی، حقوق خانواده و رفاه تبیین شده‌اند. در بند ۱ ماده ۱-۲۰۱ اصول حقوق قرارداد اروپا، وظیفه قراردادی طرفین در رعایت حسن نیت مورد اشاره قرار گرفته است.

از نظر حقوقی به این شکل می‌توان تحلیل کرد که حسن نیت یک مرحله‌ای است که ابتدا در ذهن، فکر و اندیشه خطور می‌کند که بعدش مرحله تصمیم و سپس اجرا در عالم خارج با رفتار منصفانه خود را نشان می‌دهد. بنابراین رفتار منصفانه یک مرحله عملی است که در عالم عین، متجلی می‌شود که نشأت گرفته از حسن نیت درونی و وجدانی است. در مقابل آن نیز سوء نیت و رفتار غیر منصفانه می‌باشد. قواعد حقوقی آمرانه بازتاب منطقی ارائه راه کار اصلی است که ارائه تصویری ابزارگونه از تحلیل اثباتی این اصل می‌باشد که نهایتاً دارای ستاده‌ای

است که طی آن کارائی عدالت قراردادی توجیه می‌شود. چنین رویکردی به توانمندی و پتانسیل خود مقررات، در عدالت توزیعی و عدالت معاوضی که از مصادیق حسن نیت و رفتار منصفانه هستند توجه ویژه‌ای را سبب می‌شود. فارغ از نگاه رویکرد شخصی به آن از نظر رفتار و عملکرد، ملاحظه دیگر، ارزش‌ها و امنیت اجتماعی و اقتصادی است که به نظر می‌رسد باید کارآمدی آن را با عقلانیت حداکثری در نظر گرفت و هر دو نظریه شخصی و نوعی در رعایت این اصل با همدیگر مورد ملاحظه قرار گیرند. زیرا صرفاً اثر مثبت یا منفی قوانین در سطح فردی و اجتماعی تخمین زده می‌شود. بنابراین، طراحی مؤثر قوانین با توجه به قضاوت‌های ارزشی و اصول اخلاقی به عنوان ابزار اصلی در کنترل و انضباط رفتار فردی و اجتماعی ضروری است. زیرا در اعمال حسن نیت و رفتار منصفانه تأثیرگذار می‌باشد. پژوهشگر بر این باور است که اهمیت دادن به نقش پیشگیرانه قواعد حقوقی در کنترل سودجویی‌های ناروا و بی‌عدالتی‌های ناشی از عدم رعایت حسن نیت و رفتار منصفانه در قراردادها تأثیرگذار خواهد بود که به نظر می‌رسد مطلوبیت حداکثری را به دنبال خواهد داشت. مطالب پیش گفته دارای دو بستر اساسی حقوقی و فرهنگی است؛ یکی احترام به قانون، کفایت و شفافیت آن، و دیگری برقراری امنیت اقتصادی، اجتماعی و عاطفی می‌باشد. با این دیدگاه، حسن نیت و رفتار منصفانه معیار اصلی قراردادها قرار می‌گیرد.

## ۲. نفوذ حسن نیت و رفتار منصفانه در حقوق قراردادها

عدالت یکی از بنیادی‌ترین اصول اخلاقی است که کهنه نمی‌شود؛ عدالتی که کهنه شود، عدالت نیست. عدالت قدیمی نمی‌شود نباید آن را کنار گذاشت؛ اجرای عدالت همیشگی است. امانوئل کانت نوشته: به گونه‌ای رفتار کن که دوست داری با تو رفتار شود (Ansari, 2012). به نظر کانت، فلسفه اخلاق، اخلاق تکلیف مدار است؛ او معتقد است که آن چه که تکلیف و وظیفه است باید انجام بدهیم و در این خصوص، خود باید قانون گذار باشیم نه غیر قانون گذار. بنابراین، اخلاق بر حسن نیت و رفتار منصفانه حاکم است و هر دو بر عدالت حکومت دارند. فقه و حقوق می‌توانند احکام و قوانین را منطبق با آن صادر و تصویب نمایند؛ و اجرای عدالت را یک اصل مهم و اساسی بدانند تا همه جا باشد و همه به آن دل خوش بدارند؛ تا نه فقیر فقیرتر بشود و نه غنی غنی‌تر. در کتاب و سنت ضرورت رعایت عدالت بسیار مورد تأکید واقع شده است، از جمله؛ آیه ۹۰ سوره نحل (ان الله یأمر بالعدل والاحسان) که فرموده است: همانا خداوند شما را به عدل و احسان دستور می‌دهد. حقوق اسلامی در خصوص قراردادها بر توزیع عادلانه ثروت تأکید دارد (Ghanavati, 2010). دومین مورد منع ربا است. ربا اکل مال به باطل می‌باشد؛ که از نظر حقوقی، موجب بی‌نظمی اقتصادی در جامعه و از نظر شرعی، گرفتن اضافه بر اصل مال، ظلم و ستم و بی‌عدالتی است (Mousavi Khomeini, 1995; Mousavi Khomeini, 2001). عمل به قاعده اخلاقی، خود می‌تواند حقوق را تحت تأثیر قرار بدهد و بر مبنای آن، پایه‌گذاری شود و به عنوان یک اصل بنیادی به کار رود و الزام حقوقی پیدا کند. اگر چه در قوانین برخی کشورهای اتحادیه اروپائی، اصل حسن نیت و رفتار منصفانه که یک امر اخلاقی است در برخی موارد تصریح شده است؛ اما نظر نویسنده این سطور این است که چرا نسبت به آن پای بندی وجود ندارد؟ در سطح داخلی هم چرا زمانی که نفع شخصی پیش می‌آید به دنبال سود جوئی و زیاده خواهی هستند و اجرای عدالت را نادیده می‌گیرند؟ چه باید کرد تا فضای جامعه اصلاح شود؟ از آن کاسبی گرفته که روی اجناس خود چندین بار قیمت‌ها را تغییر می‌دهد و احتکار می‌کند و نظام اقتصادی را فلج و اجتماع را دچار بحران روحی و عاطفی می‌کند و تاریخ مصرف اقلامش را تغییر می‌دهد و با جان مردم بازی می‌کند تا آن جا که در تصمیم گیری‌ها و مدیریت‌ها، عدالت دست مایه طمع و منافع شخصی و یا ضعف عملکرد دستگاه‌ها، قرار می‌گیرد و شاهدگرانی و تورم روز افزون. پاسخ این است که، عدم رعایت پای بندی به این اصول، باید مسئولیت ایجاد کند که حمایت از آن وظیفه نظارتی قانون گذار است.

سؤالی که در این جا می‌توان مطرح کرد این است که آیا عدالت به عنوان یک قاعده کلی بر تمام احکام حقوقی قراردادها حاکم است؟ موارد متعددی یافت می‌شوند که در آن‌ها، آزادی قراردادی، محدود به نفع عدالت می‌باشد؛ از جمله؛ روایت نبوی: «تاجر ستمکار است؛ و ستمکار (روز قیامت) در آتش جهنم قرار دارد؛ مگر تاجری که آن چه حق (اوست) دریافت کند و آن چه که حق (طرف دیگر) است به او بدهد» (Kulayni, 1987). این روایت به عدالت در قرارداد تصریح دارد که حقوق یکدیگر باید رعایت شود و هیچ کدام به دیگری ضرر نرسانند. همچنین در قاعده استغلال؛ استغلال در لغت به معنای استثمار و سود جوئی ناعادلانه است (Horr Ameli, 1988; Sheikh Saduq, 1992; Siah, 2002). بنابراین، استغلال زمانی تحقق پیدا می‌کند که سود جوئی و بهره برداری یک طرف قرارداد، بیشتر از طرف دیگر است. بر این اساس، اخلاق حکم می‌کند چنین بی‌عدالتی در قراردادها نباشد و رعایت تعادل و برابری و منع استغلال که مبتنی بر قاعده لاضرر است به عقیده بیشتر فقها ضروری است. استغلال در غبن بیشتر احساس می‌شود. ارسطو عدالت قراردادی را تقسیم کرده به عدالت توزیعی و عدالت معاوضی؛ هدف در عدالت توزیعی، برابری و یکسان بودن رفتار متعاقدين است؛ اما هدف در عدالت معاوضی، تعادل در مفاد و موضوع قرارداد است. ماده ۳۸۷ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود، بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد؛ حاکی از عدالت معاوضی و رعایت حسن نیت در قرارداد است. عدالت معاوضی در رویه قضائی کشور هائی مانند آلمان و سوئیس از اهمیت زیادی برخوردار است؛ مثلاً حقوق دانان سوئیس، مطالبه حق را در شرایطی که تعادل دو عوض، به سختی بر هم خورده است، رفتاری بر خلاف حسن نیت می‌دانند و ممکن است منجر به ابطال قرارداد بشود؛ مثلاً در ماده ۱۰ فصل سوم اصول قراردادهای تجاری بین المللی به موضوع اختلاف فاحش تعهدات طرف‌های قرارداد می‌پردازد و مقرر می‌دارد: اگر در زمان انعقاد قرارداد، قرارداد یا شروطی از آن، به طور غیر قابل توجیه، مزیت بیش از حدی به طرف دیگر واگذار کند، طرف اول می‌تواند قرارداد یا شرط مفرد مزبور را ابطال کند» (Katouzian, 2008). دکترین (Ghstini, 1993: 200-242)؛ نیز، عدالت قراردادی را به عنوان اصل اساسی حقوق قراردادهای می‌داند؛ چون از حسن نیت و رفتار منصفانه نشأت گرفته است. در عدالت قراردادی، هدف، ایجاد برابری متعاقدين و تعادل موضوع عقد است؛ و مقنن و دکترین را متوجه نموده است تا با استناد به این اصول اخلاقی و حقوقی در قراردادهای، از طرف ضعیف حمایت کند. به نظر می‌رسد قانون‌گذار در قراردادهای الحاقی هم باید از طرف ضعیف حمایت کند؛ و فرض هائی را برای عدم تحمیل نیت طرف قوی به طرف ضعیف به وجود بیاورد. همچنین به نظر می‌رسد قراردادهای ارفاقی حاکی از رعایت حسن نیت و رفتار منصفانه است. «قضات فرانسوی به استناد بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی، حمایت از طرفین قرارداد به خصوص طرف ضعیف‌تر را مورد توجه قرار داده‌اند» (Ansari, 2012). امروزه دکترین حقوقی و قضات، حسن نیت و رفتار منصفانه را برای جلوگیری از بی‌عدالتی در قراردادهای مفید دانسته‌اند؛ و معتقدند که می‌توان با به کارگیری این اصول، بی‌عدالتی‌های قراردادی را چاره‌اندیشی کرد. با رعایت حسن نیت و رفتار منصفانه در قراردادهای می‌توان عدالت قراردادی را تحقق بخشید؛ در واقع قاضی و داور جهت اجرای هر چه بهتر مفاد قرارداد با اعمال این قواعد می‌توانند اختلافات پیش آمده را حل و فصل کنند. قاضی و داور مکلف به اجرای عدالت هستند و با اعمال کارکردهای حسن نیت و رفتار منصفانه می‌توانند آن را تحقق بخشند. برخی از حقوق دانان کشورهای اروپائی، اعتقاد دارند که قاضی می‌تواند با توسل به این اصول، اراده متعاقدين را تحت تأثیر قرار بدهد. برخی دیگر رعایت این اصول را با توجه به اصل حاکمیت اراده در قراردادهای رد می‌کنند و برخی نیز بر این اعتقاد هستند که با این اصول (حسن نیت و رفتار منصفانه) حتی می‌توان قواعد حقوقی قراردادهای را تغییر و قواعد جدیدی در جهت عدالت قراردادی، ایجاد نمایند. رویه قضائی اکثر کشورهای اروپائی در به کارگیری حسن نیت و رفتار منصفانه دو هدف را دنبال می‌کند؛ یکی، اتخاذ تصمیم‌های منصفانه در

روابط قراردادی، و دوم ایجاد قواعد حقوقی جدید که حقوق قراردادهای فاقد آن است. این‌ها، کارکردها و مصادیق حسن نیت هستند که می‌توانند در جهت عدالت قراردادی، مورد استفاده قرار بگیرند و قدرت و قواعد الزامی ایجاد کنند. به نظر می‌رسد با توجه به اهداف مزبور، رعایت این اصول ضروری می‌باشد که باید در قراردادهای به صورت الزامی اعمال و اجرا شود. حسن نیت و عدالت هر دو مفهومی کلی دارند و نمی‌توان فقط در یک مورد آن‌ها را دید؛ مثلاً نمی‌توان عدالت را صرف قرارداد دانست؛ چنان که دکترین حقوق مدنی فرانسه (Ansari, 2012)، عدالت را به قرارداد، الصاق نموده‌اند و عدالت قراردادی را مصطلح کرده‌اند که به نظر می‌رسد خالی از اشکال نباشد؛ زیرا که عدالت خاص قرارداد نمی‌باشد ضمن این که حسن نیت چه در مفهوم ایجابی و چه در مفهوم سلبی آن، کارکردهای زیادی دارد. بنابراین به نظر می‌رسد که برای تحقق عدالت قراردادی، وجود اصل حسن نیت و رفتار منصفانه و صادقانه ضروری می‌باشد؛ و برای رسیدن به این هدف چنانچه طرفین عقد خود را ملزم به رعایت مفاد قرارداد ندانند و موجب بروز اختلاف شود، دخالت قاضی ضرورت دارد؛ هر چند که قانون‌گذار فرانسه این دخالت را محدود و بیشتر در اجرای عقد، پیش‌بینی نموده است. حقوق و اخلاق هر دو قرارداد هستند. همه روابط، از قصد و نیت در ذهن و فکر تا آثار آن‌ها در رفتار و عمل، چه در قول و چه در فعل، قرارداد هستند که در جامعه از بدو خلقت انسان به وجود آمده و به تدریج توسعه پیدا کرده است؛ که در کسب و کار و زندگی روزمره انسان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ و قرارداد نوشته، نمونه تنظیمی کلاسیک آن می‌باشد. اگر قراردادی نوشته شود اما فاقد حسن نیت و رفتار منصفانه باشد، همه افراد درگیر آن قرارداد، به سختی افتاده و به رنج می‌افتند. انعقاد قراردادهای توأم با زیان ناروا مذموم است. حسن نیت، جایگاهی رفیع دارد و در فطرت هر انسان خدا جوئی وجود دارد؛ رفتار منصفانه، عملی است خداپسندانه و قانون و فقه پسند؛ چنانچه حقوق دانان و قانون‌گذار این قواعد اخلاقی و حقوقی را در قانون پررنگ کنند و به عنوان قواعد اساسی و مهم به آن توجه نمایند، به تبع آن، عدالت در بهترین حالات خود در بیشتر قراردادهای به کار گرفته می‌شود.

حقوق قراردادهای با توجه به اصل آزادی قراردادی، به این که معاملات منصفانه باشند اصرار نمی‌ورزد. و نیز با توجه به اصل حاکمیت اراده، طرفین، خودشان، قاضی و ارزیاب سود و زیان خود هستند. با وجود این، بسیاری نظام‌های حقوقی از جمله ماده ۱۰۹-۴ اصول حقوق قراردادهای اروپا از تنفیذ قراردادهائی که تفاوت عمده‌ای در ارزش عوضین وجود داشته باشد که به یک طرف نفع غیر منصفانه داده شده، به تقاضای طرف متضرر فسخ یا تعدیل می‌شود. تنها در جایی باید حکم به جبران خسارت داد که شخص بتواند به ضعف و ناتوانی یا نیاز مبرم خود به عنوان سبب این امر اشاره کند. و یا رابطه مبتنی بر اعتماد با طرف دیگر برای دادن مشاوره اعتماد کرده و بر اساس نظر و تصمیم خود عمل نکرده است (Ghanavati, 2010). در فقه اسلامی هم، چنین چیزی وجود دارد که گفته شده است؛ غبن المسترسل صحت، فریب کسی که به شما اعتماد کرده حرام است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که ضمانت اجرای مواردی که در فقه حکم حرام گرفته‌اند چه می‌باشد؟ به نظر می‌رسد با توجه به حرام بودن، چنانچه ضمانت اجرای کیفری داشته باشد، ضریب قابل پیشگیری بیشتری را سبب می‌شود. بنابراین، در حقوق قراردادهای اگر قراردادی به شدت یک طرفه و به شدت غیر منصفانه و یا قراردادی که از روی بدخواهی و شرارت منعقد شود و غیر منصفانه باشد هرچند که قیمت قرارداد نامتعارف نباشد، این قراردادها قابل فسخ و تعدیل هستند. به موجب اصول حقوق قراردادهای اروپائی، صرف سودآوری زیاد سبب فسخ قرارداد نمی‌شود؛ طرف متضرر می‌تواند تعدیل قرارداد را به خواهد. در واقع بنابر بند ۲ ماده ۱۰۲-۴ اصول مزبور دادگاه می‌تواند شروط منصفانه را جایگزین شروط ناعادلانه نماید. و یا علاوه بر فسخ و تعدیل، طرف متضرر می‌تواند بر اساس ماده ۱۱۷-۴ اصول حقوق فوق‌الذکر، درخواست جبران خسارت کند. اصول مزبور این ماده را از زمره مقررات آمرانه می‌داند که خلاف آن

را نمی‌توان شرط کرد و یا آن را محدود یا استثناء کرد. ماده ۱۱۸-۴ آن مقرر می‌دارد: جبران خسارت ناشی از تقلب، تهدید و نفع فاحش یا نفع غیر منصفانه و حق فسخ غیر منصفانه که به طور خاص و مستقل مورد مذاکره قرار نگرفته است قابل استثناء و محدودیت نیست. ماده ۱۱۰-۴ مقرر می‌دارد: اگر شرطی که به طور خاص مورد مذاکره واقع نشده بر خلاف شرایط حسن نیت و معامله منصفانه بوده و سبب عدم تعادل عمده در حقوق و تعهدات طرفین به زیان یک طرف شده باشد، طرف متضرر می‌تواند قرارداد را فسخ کند. این مقرر قلمرو شروط عمومی دستورالعمل جامعه اروپائی ۹۳/۱۳ در مورد شروط غیر منصفانه قراردادهای مصرف کننده (۱۹۹۳) را به قراردادهای بین اشخاص خصوصی و قراردادهای تجاری گسترش و تسری داده است (Ghanavati, 2010).

اصل بر این است که قراردادهائی که با تراضی منعقد می‌شوند، قراردادهای صحیح هستند. لیکن معمولاً هر کس در قرارداد به فکر سود خود است تا طرف مقابل. و این موجب می‌شود که حسن نیت و رفتار منصفانه در قرارداد وجود نداشته باشد. پرسشی که مطرح می‌شود این است که اگر قراردادی فاقد حسن نیت و رفتار منصفانه منعقد بشود یا عدالت و انصاف که از مصادیق آن است در آن مفقود باشد آیا این قرارداد معتبر است؟ قرآن کریم عدالت را از جمله اصول اصلی تشریح دین اسلام می‌داند (و لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط). در قلمرو حقوق قراردادها عدالت نقش محوری دارد. در عدالت معاوضی، برابری، عنصر اصلی آن است؛ مثلاً در قرارداد بیع در حقوق اسلام انتقال فوری مالکیت از بایع به مشتری است (Mousavi Khomeini, 1995). به محض انعقاد قرارداد، چه در اموال منقول و چه غیر منقول، مالکیت منتقل می‌شود. ارتباط این امر با رعایت برابری و تعادل در قرارداد روشن است (Ghanavati, 2010). دلیل این که خریدار متعهد به پرداخت ثمن است این است که او نمی‌تواند ثمن و مثن را در یک زمان در اختیار داشته باشد زیرا عدم این اقدام، عدم تعادل و نابرابری ایجاد می‌کند (Tusi, 1983). در حقوق ایران نیز به موجب بند ۱ ماده ۳۶۲ قانون مدنی، به مجرد وقوع بیع مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می‌شود. بر اساس قاعده لاضرر باید بین حقوق طرفین قرارداد تعادل وجود داشته باشد و زیانی به هیچ یک از طرفین وارد نشود. و همچنین است منع استغلال که مبتنی بر قاعده لاضرر است زیرا در استغلال به دلیل بی عدالتی در حقوق طرفین مطرح می‌شود و این عدم تعادل باید فاحش باشد (Alizadeh & Mohaqeq Damad, 2003). در عدالت معاملی فروشندگان و خریداران شرایط مبیع و ثمن را از حیث جنس، وصف و مقدار و همچنین تعهداتی را که در قرارداد، ایجاد می‌کنند، مراقبت کنند و از رفتاری که موجب اختلال در آن‌ها و در نهایت، بر هم خوردن تعادل بین دو عوض و تعهدها شود، اجتناب کنند؛ برای مثال، مبیع و ثمن از عین همان جنس و یا همان وصف و مقدار و ارزش اقتصادی باشد که پیش از انعقاد قرارداد بیع، راجع به آن‌ها گفت و گو و مذاکره شده و عقد بر آن‌ها واقع گردیده است.

### ۳. مصادیق نفوذ حسن نیت و رفتار منصفانه در ایجاد تعهدات در قراردادها

زمانی که متعاقدین و اشخاص ثالثی که از قرارداد سود می‌برند اگر بر اساس اصول حقوقی و اخلاقی حاکم بر آن اقدام نمایند، اقدام آنان با حسن نیت و نتایج عملی که از آن در مراحل مختلف قرارداد به دست می‌آورند رفتاری منصفانه خواهد بود. هنگامی که دعوائی در این خصوص طرح می‌شود، یقین که یک طرف، مفاد قرارداد را بر اساس اصول فوق عمل نکرده است. بنابراین، عمل به مفاد قرارداد طبق توافق به عمل آمده، خود، دلیل بر رعایت حسن نیت و رفتار منصفانه است. چنان چه بدین گونه عمل نشود چند دلیل ممکن است داشته باشد؛ یا یک طرف سوء نیت دارد در جهت سود جوئی و منفعت طلبی و یا جهل دارد نسبت به مفاد آن، اگر چه بر مبنای اصل حاکمیت اراده، خود، توافق کرده است؛ اما احتمال دارد در اجرا و تفسیر دچار آن شده باشد. اگر مرتکب جهل شده باشد می‌توان با حسن نیت و رفتار منصفانه



مسأله را حل کرد. اگر عمل مرتکب، عمد بوده باشد و قصد و نیت سوء داشته باشد، رفتارش هم منصفانه نخواهد بود و به نظر می‌رسد که این جا باید ضمانت اجرای عدم رعایت این اصول حقوقی و اخلاقی شدیداً اعمال شود. بنابراین، همه اشخاص درگیر قرارداد باید در نیت و عملکردشان حسن نیت و رفتار منصفانه داشته باشند. چنان چه یکی از آنان پای بند به آن نباشد می‌تواند به اصول حاکم بر قرارداد خلل وارد کند و مفاد قرارداد را به انحراف بکشاند و نظام جامعه را به خصوص نظام اقتصادی و اجتماعی را به مخاطره بیفکند.

در نظام حقوقی ایران اگر چه تصریحی به عدالت و انصاف دیده نمی‌شود؛ اما قوانینی وجود دارد که دلالت بر آن‌ها دارد؛ از جمله؛ ماده ۴۱۶ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «هر یک از متعاملین که در معامله، غبن فاحش داشته باشد، بعد از علم به غبن می‌تواند معامله را فسخ کند». بنا بر عدالت و انصاف، طرف‌های قرارداد بعد از روبرو شدن، بنا بر اصل آزادی قراردادی، بعد از مذاکره کردن و انعقاد و تشکیل قرارداد، باید با برابر نیز از هم جدا شوند. در واقع ستمی به هیچ کدام وارد نشده باشد و توانمند از بی تجربگی، جهل و نیاز طرف ناتوان استفاده ناروا نکند. بنابراین لازمه وجود عدل و انصاف در قرار داد، تعادل بین عوض‌های موضوع قرارداد است. همچنین ماده ۲۲۳ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «هر معامله که واقع شده باشد، محمول بر صحت است؛ مگر این که فساد آن معلوم شود». مفاد این ماده که در حقوق ایران به عنوان اصل صحت شناخته شده است می‌توان به عنوان اصل حسن نیت در قرارداد محسوب کرد و تخطی از آن نشان از این است که حسن نیت و رفتار منصفانه نادیده گرفته شده است. مواد ۲ و ۳ قانون تعزیرات حکومتی و بند ب ماده ۱ قانون تشدید مجازات محکومان و گران فروشان با تعریف گران فروشی و کم فروشی، این دو را از مصادیق افعال تجاوزگرانه به عدالت و انصاف در قراردادهای بیع می‌شمارند.

به نظر برخی حقوق دانان، حسن نیت یک شرط ضمنی قراردادی است که از اصل آزادی قراردادی و حاکمیت اراده نشأت گرفته و در حقوق به عنوان یک اصل کلی پذیرفته شده است و در روابط حقوقی اعمال می‌شود. این نظر اگر چه درست می‌باشد اما به نظر می‌رسد در حد حرف مانده و به صورت اختیاری واگذاشته شده است و هیچ گونه الزامی نسبت به اجرای آن دیده نمی‌شود. زیرا که در عمل چنین چیزی کمتر دیده می‌شود و منافع شخصی و تعلقات دنیائی در بیشتر اوقات، مانع ایجاد می‌کنند.

حسن نیت و رفتار منصفانه یک تکلیف اخلاقی، فقهی است که طرفین قرارداد مکلف به رعایت آن می‌باشند و در روابط حقوقی به عنوان یک قاعده حقوقی ملزم به اعمال آن می‌باشند. حسن نیت و رفتار منصفانه ریشه در فقه و اخلاق دارد که می‌تواند در کاهش دامنه اختلافات بسیار مفید و مؤثر باشد؛ اما به نظر می‌رسد که کمتر مورد توجه قانون گذار و رویه قضائی ما قرار گرفته است. سابقه طولانی و عملی آن را در برخی کشورهای اروپائی از جمله حقوق داخلی فرانسه می‌توان دید. گسترش روز افزون این نهاد حقوقی و اخلاقی در نظام حقوقی کشورها، به خصوص در قوانین مدنی کشورهای اروپائی و عدم وجود مواد قانونی صریح در قانون مدنی ایران با وجود ریشه داشتن در فقه و اخلاق اسلامی، تبیین آن ضروری، و از ضروریات نظام حقوقی ما است. امروزه در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، این اصول، کاربرد زیادی دارد و باید به صورت یک الزام حقوقی دیده شود تا ایجاد پای بندی کند. اگر قراردادها بر مبنای حسن نیت و رفتار منصفانه و به دور از تدلیس، خدعه و نیرنگ منعقد بشوند بهتر می‌توان به خواسته معقول خویش دست یافت. و با رعایت آن در جامعه و با در نظر گرفتن منافع یکدیگر به راحتی می‌توان هم خود سود کرد و آرامش را به دست آورد و هم دیگران. قراردادی که در آن منافع یک طرف لحاظ می‌شود مبتنی بر صداقت و درست کاری نمی‌تواند باشد. برخی که حسن نیت و رفتار منصفانه را یک شرط می‌دانند، در مواردی آن را قابل اعمال می‌دانند و در موارد بی شمار دیگر، خالی از آن. این امر حاکی از این است که نمی‌توان این قواعد اخلاقی و حقوقی را به عنوان «شرط» در قراردادها آورد بلکه باید به عنوان یک قاعده بر کلیه قراردادها حاکمیت داد. وقتی صحبت از شرط می‌شود این معنا متبادر می‌شود که در

جائی این شرط وجود دارد و در جائی دیگر خیر و نیازی به آن نیست. که به نظر می‌رسد این تفکر خالی از اشکال نباشد. این قواعد، قواعد کلی و مبنائی است که اصول دیگر را در سیطره خود دارد و نباید آن را در ردیف بقیه اصول، قرار داد. بلکه شاکله هر اصل دیگری است که وجود آن در آن‌ها ضروری است و جزء لاینفک قراردادها می‌باشد. این قواعد کلی و اساسی که در فقه و اخلاق ریشه دارد در حقوق نیز باید به عنوان قواعد حاکم بر همه اعمال و روابط حقوقی به کار گرفته شود. نیت خوب و رفتار صادقانه، ستون محکم هر قراردادی است که می‌توان با آن‌ها خشت بنای قراردادها را پایه گذاری کرد و دیوار آن را تا ثریا راست نگه داشت. این قواعد امروزه مورد هجوم سود جوها و کسب منافع مادی قرار می‌گیرد. نظارت می‌خواهد تا پیوسته مراقبت قانونی شود تا از مسیر عدل و انصاف خارج نشود؛ چرا که عدل و انصاف حاکمیت این قواعد را پذیرفته و رعایت آن را ضروری دانسته است. صراحتی که حسن نیت و رفتار منصفانه در حقوق برخی از کشورهای اروپائی دارد، مع الأسف در حقوق ایران با آن که قوانین آن از فقه هم تأسی جسته است و آیات و روایات بسیاری در خصوص آن به طور غیر مستقیم وجود دارد، به چشم نمی‌خورد.

حقوق موضوعه ایران اگر چه بیشتر مفاد آن، از حقوق کشور فرانسه گرفته شده است اما ریشه در فقه و اخلاق اسلامی داشته و قواعد و ضوابط حاکم بر معاملات، دارای مبنائی فقهی است که فقها ارائه نموده‌اند. از جمله نمونه‌های آن، اصل چهلم قانون اساسی است که در بیان عدم اضرار به غیر بیان کرده است: هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. این اصل از قواعد فقهی می‌باشد که با نهی از اضرار امر به درست کاری و نیک رفتاری می‌کند. همچنین ماده ۶۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «صحت وقفی که به علت اضرار دیان واقف، وقف شده است، منوط به اجازه دیان است». ماده ۲۱۸ قانون مدنی (اصلاحی سال ۱۳۷۰) مقرر داشته: هر گاه معلوم شود که معامله به قصد فرار از دین به طور صوری انجام شده باشد، آن معامله باطل است. و مواد قانونی دیگر که به طور تلویحی رعایت قواعد حسن نیت و رفتار صادقانه را مد نظر قرار داده است. یکی از نویسندگان، حسن نیت در اجرای قرارداد را به «عمل به معروف» تعبیر کرده است که در برخی مواد قانون مدنی به آن اشاره شده است. در واقع حسن نیت و رفتار منصفانه را از آن چه عرف متعارف هر چیزی گفته تعبیر کرده است. مثلاً ماده ۲۲۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف آن باشد به منزله ذکر در عقد است». همچنین ماده ۲۲۰ همان قانون بیان داشته: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند». چنان چه ملاحظه می‌شود در این ماده علاوه بر قانون، عرف و عادات نیز از منابع تعهدات قراردادی به شمار رفته است که بیانگر حسن نیت و رفتار منصفانه می‌باشد. اما باید گفت که عرف، مصادیق را مشخص می‌کند و از قواعد تکمیلی است در حالی که حسن نیت و رفتار منصفانه باید از قواعد آمره باشد که امکان تراضی خلاف آن و یا شرط حذف و تمدید آن پذیرفته نیست. قاعده استاپل از مواردی است که می‌توان حسن نیت و رفتار منصفانه را در آن دید. مصادیق متعددی از این قاعده در حقوق ایران وجود دارد؛ مثلاً در ماده ۱۲۷۷ قانون مدنی، منع انکار پس از اقرار و غیر قابل انکار بودن اسناد رسمی و اعتبار امر قضاوت شده، هر کدام می‌تواند مصداقی از قاعده مزبور باشد. این قاعده را نمی‌توان مختص حقوق کامن لو تلقی کرد. در مواردی از قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ از جمله مواد ۱۰ الی ۱۳ در خصوص دروغ گویی و قصد تقلب بیمه گذار و اعلام‌های نادرست به بیمه گر و ماده ۱۶ در مورد تشدید خطر و تغییر وضعیت موضوع بیمه، بر اساس رعایت حسن نیت و رفتار منصفانه به نظر می‌رسند. مواد قانونی مورد اشاره حاکی از رعایت حسن نیت و رفتار منصفانه است که

همه، مورد توجه ضمنی قانون گذار بوده است اما صراحتی به آن‌ها دیده نمی‌شود و این نقصی است که به نظر می‌رسد باید قانون گذار به آن اهتمام ورزیده و مورد توجه قرار بدهد.

### ۳-۱. مرحله مذاکره و تشکیل و انعقاد قرارداد

آزادی مذاکره به معنای سوء استفاده از آن نیست و ورود به مذاکره بدون قصد واقعی برای انعقاد قرارداد یا صرفاً برای کسب اطلاعات محرمانه خلاف حسن نیت است. در این مرحله، حسن نیت مبنایی برای تعهد به ارائه اطلاعات صادقانه و حفظ در مرحله انعقاد قرارداد، لزوم رعایت حسن نیت و رفتار منصفانه ضروری است؛ زیرا اجرای آن را تسهیل می‌بخشد. در بند یک ماده ۱۰۲: ۱ اصول حقوق اروپائی قراردادهای آمده است: طرفین در انعقاد قرارداد و تعیین محتوای آن آزادند؛ مشروط بر این که اقتضائات حسن نیت و معامله منصفانه و قواعد آمرانه مقرر، به وسیله این اصول را رعایت نمایند. ماده ۱۰ قانون مدنی ما هم به انعقاد قرارداد تصریح نموده است لیکن تا آن جا که مخالف صریح قانون نباشد.

### ۳-۲. مرحله اجرا و تفسیر قرارداد

حسن نیت باعث تکمیل اصل لزوم وفای به عهد می‌شود و اجرای مفاد قرارداد را به رعایت این اصل مرتبط می‌سازد. مواد ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی ایران بر رعایت عرف و عادت و نتایج عرفی و قانونی قراردادهای تاکید دارند که دامنه تعهدات قراردادی را گسترش می‌دهد. در تفسیر قرارداد، حسن نیت نقش کلیدی ایفا می‌کند و قاضی یا داور باید عبارات قرارداد را به نحوی تفسیر کند که با حسن نیت طرفین مغایرت نداشته باشد. ماده ۳ قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲ نیز بر لزوم حسن نیت در تفسیر تاکید دارد. «اجرای با حسن نیت قرارداد لازمه مفاد تراضی است و رفتار مغایر با حسن نیت با اصل الزام آور بودن قرارداد ناسازگار است و بر همین اساس، اصل احترام به قراردادهای را باید همواره در ارتباط با قاعده حسن نیت مورد توجه و بررسی قرار داد. لذا نه تنها متعهد قرارداد باید در اجرای قرارداد حسن نیت داشته باشد، بلکه هر یک از متعاهدین باید به سهم خود سعی کند تا تعهدات به بهترین نحو انجام شود. در واقع، قاعده لزوم حسن نیت در اجرای قرارداد، نتیجه پیوند حقوق و اخلاق است و بنابر رعایت همین پیوند دو طرف باید در برابر هم با حسن نیت رفتار کنند و اجرای قرارداد را بخواهند» (Shafaei, 1997).

راجع به رابطه نزدیک این اصل در اجرای قرارداد با اصل بنیادین لزوم وفای به عهد گفته‌اند: «اصل حسن نیت، اصلی محوری و اساسی است که از قاعده لزوم وفای به عهد و سایر قواعد حقوقی که به طور مستقیم و مشخص با صداقت، انصاف و متعارف بودن یا معقولیت در ارتباط‌اند، نشأت گرفته و اعمال آن به وسیله معیارهای صداقت، انصاف و معقولیت که در یک زمان مشخص بر جامعه تجاری حاکم هستند تعیین می‌شود» (O'Conner, 1990).

از مراحل مهم و اساسی قرارداد، مرحله اجرای آن است که رضایت طرفین منحصر به اجرای صحیح آن می‌باشد. در این جا است که حسن نیت خودش را با رفتار منصفانه در عمل نشان می‌دهد. به عقیده یکی از اساتید حقوق، رعایت حسن نیت در اجرای قرارداد را می‌توان از لوازم عرفی آن دانست (Safai, 2006). در اجرای قرارداد، هر متعهدی باید در اجرای تعهداتش، مانند «پدر خوب خانواده» (En bon pare de famille)، رفتار نماید و این رفتار دو جانبه باید طرفین قرارداد، هر دو، اعمال و اجرا نمایند. بنابراین صداقت و درستی در اجرای قرارداد، یک امر طرفینی است. ماده ۲۰۲ - ۱ اصول حقوق قرارداد اروپا مقرر داشته است: «هر یک از طرفین نسبت به طرف دیگر وظیفه تشریح مساعی دارد تا این که قرارداد به طور کامل اجرا شود». این ماده بیانگر رعایت حسن نیت و رفتار منصفانه در اجرای قرارداد است.

## نتیجه‌گیری

قانون مداری و اخلاق محوری و توجه به فقه اسلامی، با حسن نیت و رفتار منصفانه متجلی و بروز و ظهور پیدا می‌کنند. همچنین رعایت این قواعد اخلاقی و حقوقی در تمامی اعمال حقوقی، به ویژه در قراردادها، موجب نظم عمومی اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه باعث کاهش اختلافات، منازعات، و مراجعۀ به دادگاه‌ها می‌شود. اندیشه خوب و اندیشه بد از نیت خوب و نیت بد گرفته می‌شوند و در اعمال اخلاقی و حقوقی شخص تأثیر دارد. این اصل اخلاقی می‌تواند کمک زیادی به حقوق داشته باشد و بر مبنای آن، حقوق با قدرتی که دارد می‌تواند در الزامی کردن آن در قراردادها و تعهدات ناشی از آن و در کلیه اعمال حقوقی با اتخاذ سیاست‌های تقنینی و اجرائی، مشکلات نظام اجتماعی و اقتصادی را با رعایت این اصول اخلاقی و حقوقی حل نماید و دامنه اختلافات و منازعات مربوط را به حداقل خود رساند. پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار ایران اقدام به بازشناسی این اصل مهم که ریشه در فقه هم دارد به عنوان یک قاعده راهبردی الزامی حاکم بر همه اعمال و روابط حقوقی مورد شناسایی و در قالب یک ماده قانونی واحد به تصویب برساند تا با توانمندی‌هایی آن به مهار اختلافات قراردادی کمک نماید و تعهدات قراردادی بدون تدلیس، خدعه، نیرنگ و فریب، اعمال شوند. در حقوق ایران، مفهوم خاصی برای حسن نیت و رفتار منصفانه به طور گسترده پذیرفته نشده است و تنها در موارد خاصی اعمال می‌شود. با این حال، به دلیل رشد روابط اقتصادی و تجاری، شناسایی حسن نیت در روابط اقتصادی ضروری است و محاکم قضایی بین‌المللی نیز از این اصل در تفسیر قراردادها استفاده می‌کنند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار ایرانی اصل حسن نیت را به صراحت در قوانین گنجانده و با این اقدام، نظام حقوقی را به‌روز و منسجم کند و زمینه برای همگرایی با اسناد بین‌المللی فراهم شود.

## تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

## حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## EXTENDED SUMMARY

The ethical principle of good faith and fair dealing has been recognized to varying extents across different legal systems; however, its application and enforcement have often been overlooked. This study aims to explore the impact of this principle in the formation and execution of civil obligations, emphasizing its role as a fundamental ethical and legal standard. Good faith, rooted in an individual's intent, carries a subjective aspect; however, in legal and contractual contexts, it assumes an objective dimension that significantly influences economic and social security. The present study employs a descriptive-analytical method, utilizing a library-based research approach to analyze the subject comprehensively.

In contract law, good faith and fair dealing act as binding principles that create obligations and responsibilities for both parties throughout the entire contractual lifecycle, from formation to execution and enforcement. The application of modern contract law theories, such as the duty to

cooperate, honesty, and confidentiality, provides practical outcomes that enhance fairness and transparency in contractual relations. Despite its recognized significance, the lack of a clear legal framework governing good faith and fair dealing in many jurisdictions creates challenges in achieving contractual justice and economic stability (Katouzian, 1998, 2008; O'Conner, 1990). The principle plays a crucial role in ensuring that parties do not exploit one another through deceit, fraud, or opportunistic behavior, which can undermine trust and lead to contractual disputes (Rahpeik, 1999).

The integration of good faith into the contract formation process serves as a preventive measure against opportunistic behaviors such as misrepresentation, coercion, and unfair advantage-taking. This principle demands that parties enter negotiations with honesty and transparency, avoiding actions that could mislead or harm the other party (Schlechtriem & Thomas, 1998). The European Principles of Contract Law and various international legal instruments have emphasized good faith as an essential component of fair dealing. However, its enforcement and interpretation vary across legal systems, often leading to inconsistencies in application (Rajski, 1985). Within the Iranian legal framework, while there is no explicit mention of good faith, various legislative provisions imply its importance, particularly in areas such as contract negotiation and performance (Mousavi Khomeini, 1995).

The role of good faith in contract execution is particularly evident in cases involving long-term agreements where changing circumstances may impact the feasibility of obligations. Parties are expected to act reasonably and adjust their behaviors to uphold the spirit of the contract, ensuring mutual benefit and avoiding undue hardship. This aligns with the principles of distributive and commutative justice, which seek to balance the interests of contracting parties equitably (Tetley, 2004). In Iranian law, the principle of "no harm" (la darar) and other related doctrines provide a foundation for the application of good faith, reinforcing its moral and ethical dimensions (Horr Ameli, 1988). The courts, however, face challenges in interpreting and enforcing these principles in the absence of explicit statutory provisions.

From a comparative perspective, legal systems such as those of France and Germany have incorporated good faith as a statutory requirement in their civil codes, reflecting its fundamental importance in contractual relations (Bianca & Bonell, 1995). In contrast, common law jurisdictions, such as the United States and the United Kingdom, have traditionally been reluctant to recognize good faith as a general duty, instead opting for specific duties implied by law in certain contracts (O'Conner, 1990). The lack of uniformity in the application of good faith principles globally highlights the need for greater harmonization and legal certainty, especially in cross-border transactions where differing interpretations can lead to conflicts (Schlechtriem & Thomas, 1998).

Despite the significant theoretical and practical benefits of good faith and fair dealing, challenges remain in its consistent implementation. One of the primary obstacles is the subjective nature of good faith, which can lead to differing interpretations by courts and arbitrators. Additionally, the lack of explicit statutory provisions in some jurisdictions creates uncertainty regarding its enforceability. Addressing these challenges requires a concerted effort from legislators, legal practitioners, and scholars to develop clearer guidelines and frameworks for the application of good faith in contractual relations (Katouzian, 1998). The role of judicial interpretation is also crucial in shaping the practical application of this principle, ensuring that it aligns with contemporary economic and social needs (Ghanavati, 2010).

In conclusion, the ethical principle of good faith and fair dealing plays a vital role in contract law by fostering fairness, transparency, and mutual respect among contracting parties. Its recognition as a

binding principle imposes obligations that enhance contractual stability and economic security. However, to maximize its effectiveness, it is necessary to establish clearer legal frameworks, promote its consistent application across jurisdictions, and raise awareness of its importance among contracting parties. Future research should focus on examining the practical implications of good faith in different legal systems and developing standardized approaches that can be adopted at national and international levels. The enforcement of good faith principles not only benefits individual parties but also contributes to broader economic and social stability, making it a cornerstone of modern contract law.

## References

- Alizadeh, M., & Mohaqqueq Damad, S. M. (2003). *The Rules of Faulty Goods in Islamic Law*. Islamic Sciences University of Razavi Publications.
- Ansari, A. (2012). *The Theory of Good Faith in Contracts (A Comparative Study of Iranian Law and Modern Legal Systems)*.
- Bianca, C. M., & Bonell, M. J. (1995). *Commentary on International Sales Law*. Ketabkhaneh Ganj Danesh.
- Ghanavati, J. (2010). The Principle of Freedom of Contract: Contracts and Unfair Terms. *Islamic Studies Journal (Jurisprudence and Principles)*, 42(85/1), 135-157.
- Horr Ameli, M. b. H. (1988). *Wasail al-Shia ila Tahsil Masa'il al-Sharia, Volume 12*. Al al-Bayt Institute.
- Katouzian, N. (1998). *Philosophy of Law, Volume 1*. BehNashr Publications.
- Katouzian, N. (2008). *Civil Law (General Principles of Contracts)*. Sherkat Sahami Enteshar.
- Kulayni, M. b. Y. (1987). *Al-Kafi, Volume 5*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Mousavi Khomeini, R. (1995). *Al-Bay', Volume 1*. Islamic Publications Institute.
- Mousavi Khomeini, S. R. (2001). *Al-Bay', Volume 1*. Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Work.
- O'Conner, J. F. (1990). *Good Faith in English Law*. Dartmouth Publishing Company Ltd.
- Rahpeik, S. (1999). A Reassessment of the Rule of No Harm and Its Impact on Breach Damages. *Legal Perspectives Quarterly*, 4(13-14), 35-44.
- Rajski, J. (1985). Gradual Codification of International Trade Law. *Legal Journal*, 2(2), 39-52.
- Safai, S. H. (2006). *Introductory Course on Civil Law, Volume 2*. Mizan Publishing.
- Sanhoury, A. a.-R. A. (1998). *Al-Wasit fi Sharh al-Qanun al-Madani al-Jadid*. Halabi Publications.
- Schlechtriem, P., & Thomas, G. (1998). *Commentary on the UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods*. Oxford University Press.
- Shafaei, M. R. (1997). *A Comparative Study of the Doctrine of Changed Circumstances in Contracts*. Ghoghnoos Publications.
- Sheikh Saduq, M. b. A. (1992). *Man La Yahduruhu al-Faqih, Volume 3*. Islamic Publications Office.
- Siah, A. (2002). *Arabic-Persian Academic Dictionary: Translation of Al-Munajjid Al-Abjadi*. Farhan Publications.
- Tabatabai, S. M. H., & Mousavi Hamadani, S. M. B. (1991). *Al-Mizan Commentary*. Allameh Tabatabai Foundation.
- Tetley, W. (2004). Good faith in contract—Particularly in the contracts of arbitration and chartering. *Journal of Maritime Law and Commerce*, 35(4), 561-616.
- Tusi, M. b. H. (1983). *Al-Khilaf, Volume 3*. Maktabat al-Sadiq.